



سرشناسه	شاگردکاتی، اسماعیل، ۱۳۵۲.
عنوان	مباحث تبلیغی درباره احکام و آثار موسیقی
تکرار نام پدیدآور	سید اسماعیل شاگردکاتی
مشخصات نشر	قم: آبان، ۱۳۹۶
مشخصات ظاهری	۲۰۸ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۸۶۹۷-۰۴-۶
وضعیت فهرست‌رسانی	فهرست شده
بازدادن	کتابخانه
موضوع	موسیقی و اسلام
موضوع	موسیقی - جنبه‌های اخلاقی
موضوع	موسیقی (فقه)
رده‌بندی	۱۳۹۶ ۲۰۲ ش / ۸۲ / ۲۳۲ BP
رده‌بندی دیوید	۲۹۷/۳
شماره مدرک	۲۸۱ ۵۲



نام کتاب: مباحث تبلیغی درباره آثار و احکام موسیقی

گردآورنده: سید اسماعیل شاگردکاتی

ناشر: آبان

صفحه آرا: حسین ترگسی

چاپ: اول / ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۰/۰۰۰ تومان

مراکز پخش

اردکان، بوستان انتظار ۰۳۵۳۲۲۳۷۰۰۱

قم - پخش هاتف ۰۹۱۲۶۵۲۸۷۲۹



مباحث تبلیغی درباره

آثار و احکام موسیقی

سید اسماعیل شاکر اردکانی

قضاوت عجلولانه و پیش از مطالعه ممنوع!
هرگز ر دسی که همیشه با شما موافق است چیزی یاد
نی گید.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اهْدِنِي لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ
الْحَقِّ بِإِذْنِكَ، إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

خدایا بر محمد و آل محمد در فرست و مرا به اذن
خودت در آنچه مورد است [نظر] حق
هدایت فرما، همانا تو هر که را خواهی به راه راست
هدایت می فرمایی

(از دعاهایی که مستحب است هر روز بعد از نماز
صبح خوانده شود: مصباح المتعجل، ج ۱، ص ۲۰)

فهرست

۹..... مقدمه

بخش اول: موسیقی شناسی

۳۱..... ریختجه و مخترع موسیقی

۳۳..... اصطلاح درباره موسیقی

۳۴..... سناء موسی در فقه اسلام

۳۶..... اولین اسفاده کسان از غنا و موسیقی

۳۸..... تذکری مهم ملائعنا و موسیقی! در گذشته و حال

بخش دوم: غنا و موسیقی در آیات قرآن

۴۳..... مذمت قرآن از غنا و موسیقی حرام

۴۶..... منع معصومان از موسیقی حرام استناد آیات قرآن

بخش سوم: موسیق و خوانندگ و کلام اهل بیت (علیهم السلام)

۵۱..... آمار و اعتبار احادیث موسیقی؟!.....

۵۳..... محو آلات موسیقی از اهداف بعثت پیغمبر (صلی الله علیه و آله)

۵۴..... موسیقی حرام در شادی؛ کفران نعمت الهی!.....

۵۵..... عذاب دردناک اهالی موسیقی حرام در محشر!.....

۵۶..... نفرین کبوتر! بر اهالی موسیقی حرام.....

۵۷..... پاداش پرهیز از غنا و موسیقی حرام.....

۵۸..... آثار منفی غنا و موسیقی حرام در روایات.....

۶۰..... ضررهای موسیقی بر جسم و اعصاب انسان.....

۷۰..... حرمت جمع ثروت از راه موسیقی حرام.....

۷۴..... رواج موسیقی در آخر الزمان و تبعات آن.....

۷۷..... حلال شمردن محرّمات و خون دل خوردن مؤمنان!.....

۷۹..... آثار شوم موسیقی حرام در خانه.....

- ابزار و وسایل موسیقی در منابع حدیثی و فقهی ۸۱
- آلات لهو میغوض خداوند! ۸۳
- ظیفه و ادر برابر امواج خروشان موسیقی ۸۵
- موسیقی گرم کن محافل حرام نباشیم! ۸۷
- مشوق و مروج موسیقی نباشیم ۸۸
- ترک کردن مجلس موسیقی حرام؟! ۸۹
- فرق سمع راست و چپ ۹۰
- سیره عملی معتمدان در برخورد با اهالی موسیقی حرام ۹۱
- خوانندگی و موسیقی حلال ۹۵
- چند مصداق موسیقی حرام ۹۷
- افراط و تفریط ممنوع ۹۹
- نتیجه گیری ۱۰۰
- یادسپاری ۱ (اهل بیت هیچ سفارشی به موسیقی نکردند) ۱۰۲
- پاسخ به اشکالی احتمالی ۱۰۳
- یادسپاری ۲ (حرمت بسیاری از موسیقی های امروزی) ۱۰۴
- خوانندگی و موسیقی حرام ۱۰۶
- توضیح استاد شهید مطهری ۱۰۷
- حکمت حرمت برخی موسیقی ها در اسلام؟! ۱۰۷
- اگر حدیثی هم نداشتیم حرام بود! (حکمتی از شهید بهشتی) ۱۰۹
- همه حرف، حلال و حرام بودن نیست! ۱۱۰
- دوری از واقعیات؛ غرق شدن در تخیلات! ۱۱۲
- نکته ای قابل تأمل! ۱۱۳

- ۱۱۴..... مرزها و شاخصه‌های موسیقی حلال و حرام
- ۱۱۵..... نظر آیت‌الله شهید بهشتی.....
- ۱۱۶..... بدگاه حضرت آیت‌الله العظمی جوادی آملی.....
- ۱۱۸..... عرات مقام معظم رهبری (ملاک سستی و کلاسیک نیست).....
- ۱۲۰..... تنجی دیگر در تشخیص موسیقی حلال و حرام.....
- ۱۲۰..... مصاصقی انر ریقه هیوی حرام.....
- بخش چهارم: پاسخ به سؤالات احتمالی در موضوع موسیقی
- ۱۲۵..... درآمدزا بودن موسیقی.....
- ۱۲۷..... مجالس رقص و پیانو و ری روتق گردشگری!.....
- ۱۲۸..... برخی موسیقی‌ها ابزار استعمار از دین ودایی.....
- ۱۳۰..... جوانان! فریب نخورید!.....
- ۱۳۲..... به خاطر موسیقی؛ اسلام را مخالف رقص نکنید!.....
- ۱۳۴..... سخنی از «افلاطون» درباره هنر واقعی.....
- ۱۳۶..... شادی برون یا اندرون؟.....
- ۱۳۷..... آیا اسلام با موسیقی به خاطر لذتش مخالف است.....
- ۱۳۹..... موسیقی و اصلاح اخلاق.....
- ۱۴۰..... موسیقی و تصفیه روح؟.....
- ۱۴۱..... موسیقی و افزایش نیروی کار.....
- درمان با موسیقی!!!.....
- درمان‌های پیشنهادی آخر الزمان!.....
- ۱۴۶..... در حرام شفا نیست.....
- ۱۴۷..... تلنگری قرآنی.....
- ۱۴۸..... آیا استقبال عمومی از موسیقی، دلیل درستی و خوبی آن نیست؟!.....

- نمونه‌ای تاریخی: استقبال مردم مکه از یک زن آوازه‌خوان! ۱۵۲
- چرا فقها با موضوع موسیقی به مخالفت برخاستند؟ ۱۵۴
- چرا باید نظر فقهاء را بپذیریم؟ ۱۵۷
- کارشناسان موسیقی نظر ندهند؟! ۱۵۹
- نقش موسیقی در تکامل انسان؟! ۱۶۰
- یا موسیقی با عرفانی می‌تواند ما را به خدا نزدیک‌تر کند؟ ۱۶۲
- رابطه سماع عرفانی با موسیقی و غناء ۱۶۳
- نظر استاد بهره‌داری در باره غذای روح بودن موسیقی ۱۶۵
- تمجید برخی دانشمندان از موسیقی چه توجیهی دارد؟! ۱۶۶
- دین با شعر و خواب دوست می‌شود! ۱۶۸
- تسلیم: نشانه ایمان حقیقی؟! ۱۷۱
- پرهیزکاری ایرانیان در برابر موسیقی! ۱۷۲
- چرا باید در موضوع موسیقی با احتیاط برخورد کنیم؟! ۱۷۳
- ترویج موسیقی در صدا و سیما! ۱۷۶
- ملاک دستورات اسلام، صدا و سیما و ارشاد نیست! ۱۷۹
- پاسخ به توجیهی ظاهراً دلسوزانه! ۱۸۰
- بخش پنجم: چند سؤال از طرفداران و مبلغان موسیقی**
- سوال اول: چرا اهل بیت به هیچ نوع موسیقی سفارش نکردند؟! ۱۸۷
- سوال دوم: چرا دانشمندان بزرگ مروج موسیقی نشده‌اند؟! ۱۸۹
- سوال سوم: موسیقی حرام مصداقی از گناهان کبیره؟! ۱۹۲
- سوال چهارم: ترویج موسیقی و تشبیه به دشمنان؟! ۱۹۳
- خلاصه کتاب در پنج نکته ۲۰۱
- کتابنامه ۲۰۴

مقدمه

در سال هشتاد و یک، نوشتاری از مؤلف با نام «چهل نکته درباره موسیقی» منتشر و چند مرتبه تجدید چاپ شد که مورد استقبال بعضی و همچنین نقد برخی دیگر قرار گرفت. اکنون پس از حدود پانزده سال با تحقیق و مطالعات بیشتر، تغییر برخی شرایط و دریافت نظرات مختلف، تصمیم بر بازنویسی و ویرایش جدید گرفتیم تا اگر خدا بخواهد پاسخ‌های بهتری به سؤالات مخاطبان در موضوع پر حرف و حدیث و گاه جنجالی «موسیقی» باشد. بر خلاف شیوه متداول در مقدمه، به خاطر حساسیت و پرمشاشه بودن موضوع، به چند نکته و سؤال و جواب جانبی اشاره می‌شود:

بحث از موسیقی، بحثی درون دینی

موضوع موسیقی از مسائل فقهی و احکامی است و نه اصولی و اعتقادی؛ از این رو هر چه بر سر آن دعوا شود، در نهایت به دایره فقه و احکام ختم می‌گردد و بحث و گفتگو و بگومگوها درباره آن، همه از اساس درون دینی

است. در میدان عمل هم اگر شخصی با انواع موسیقی‌های حرام سر و کار داشته باشد، فاسق نامیده می‌شود؛ و نمی‌توان او را بالکل خارج از دین دانست و متهم به بی‌دینی و نامسلمانی نمود. مگر آن که به کلی منکر حرمت شرعی از موسیقی در اسلام شود و آیات و روایات مستند این موضوع را به تمامه از کار بردارد. در این صورت بنا بر قاعده «منکر امور ضروری دین»^۱ به کفر و ملامت می‌رسد. چرا که به نظر فقهاء بزرگ حرمت غنا و موسیقی حرام از دیدگاه اسلام از سوی ضروری و بدیهی بوده و اختلاف و دعوا تنها بر سر حد و مرز و مصداق آن است.

بحث نظری؛ نه برخورد غلط

مطلب بعد آن که بحث نظری از حرمت موسیقی در موضوع موسیقی متفاوت است؛ این که در جلسه‌ای موسیقی حرام پخش می‌شود و ما هم معتقد به حرمت آن هستیم بحثی است و این که چگونه با آن جلسه و طرفداران موسیقی حرام برخورد کنیم حرفی دیگر! مانند دیگر مسائل شرعی؛ مثل بدحجابی، ترک مسجد و جمعه و جماعت، عدم پرداخت زکات^۲ و ... که بحث نظر و اعتقاد، با برخورد و رفتار تفاوت پیدا می‌کند. ما در این باره با

۱. هر کس امور ضروری و قطعی در دین؛ حتی مسایل فقهی ضروری و حتمی مانند حجاب، و غیره را روزی و ... را انکار نماید از دایره دین خارج می‌شود.

۲. درباره مصداق نقل شده تعبیر تند و قابل تأملی در روایات اهل بیت علیهم‌السلام بیان شده است.

۳. در منابع دینی بر این نکته نیز تأکید شده که از عمل زشت و خلاف شرع مسلمان، تیری بجوید؛ نه از خودش. در قرآن کریم (شعراء، ۱۶۸) از زبان حضرت لوط نبی، در اعتراض به عمل زشت قومش آمده: قَاتِلِ اِيْمَانِيكَ مِنْ الْفَالِئِ؛ به راستی من دشمن کردار شمایم (نه خود شما). از امیرالمؤمنین علیه‌السلام روایت شده که: خَالِفُوا النَّاسَ بِالْاَيْمَانِكُمْ وَاجْسَادِكُمْ وَزَاوِلَهُمْ يَقُولُوكُمْ وَاعْمَالِكُمْ؛ با مردم در ظاهر (با زبان و جسم) معاشرت کرده، و در دل و با عمل از آن‌ها دوری نمایید. (تصنیف غررالحکم، حدیث ۹۸۰۷)

منکرات هم باید به گونه‌ای عمل کنیم که حتی الامکان دلزدگی از دین پدید نیاید. این جا نتیجه مهم است و نمی‌توان تنها به انجام وظیفه تاکید و تکیه نمود. هم‌زیستی مسالمت آمیز مورد توصیه همه پیشوایان دینی بوده و هست. شاید از تباط صمیمی بعضی علماء، با برخی اهالی موسیقی حرام، یا افرادی که ظاهراً پایبند به برخی حدود شرعی نیستند نیز، در عمل به همین سفارش و برای سبب هر چه بیشتر آن‌ها توجیه می‌شود. به این روایت توجه فرمایید: شخص از شیعیان امام باقر علیه السلام نزد حضرت آمده، عرض کرد: فرزند پیامبر! این شهر مدینه شدم و مهمان مردی گردیدم که او را می‌شناختم، اما نمی‌دانستم اهل نبوت است، ولی دیدم انواع وسایل لهو و موسیقی حرام در خانه‌اش وجود دارد، خلاصه دادم و تله‌ای غیر منتظره گرفتار آمدم.

امام علیه السلام به او فرمود: **أَحْسِنُ جَوَارَ الْقَوْمِ حَتَّى تَخْرُجَ مِنْ بَيْنِهِمْ**

۱. برخی بزرگان بحثی مطرح کرده‌اند به نام «پلورالیسم عملی» و موافق آن را با آن اعلام نموده‌اند. از باب مثال استاد آیت‌الله مصباح یزدی از فلاسفه معاصر در این موضوع می‌نویسند: «پلورالیسم دست‌کم می‌تواند دو معنا داشته باشد: یک معنا این که کسانی در مقام نظر و اعتقاد معتقد باشند که در مسئله دو پاسخ واقعی دارد و هر گروهی می‌تواند یکی از این پاسخ‌ها را بپذیرد، هر چند صریحاً در حد مخالف و متناقض با پاسخ دیگر باشد.

معنای دیگری که برای پلورالیسم تصور می‌شود این است که با صرف نظر از مقام اعتقاد، در مقام عمل طرفداران این دو نظریه با هم زندگی مسالمت‌آمیزی داشته باشند و رابطه خود را بر اساس ارزش‌های انسانی و احترام متقابل برقرار کنند.

من ابتدا معنای دوم را مورد توجه قرار می‌دهم و عرض می‌کنم که سنت همه حق‌جویان عالم اعم از دانشمندان و فیلسوفان و طرفداران ادیان و انبیا و همه خداپرستان و حق‌جویان این بوده که با کسانی که اختلاف داشتند روابط انسانی و محترمانه برقرار کنند و با حفظ کرامت و احترام طرف مقابل به بحث و گفتگو بپردازند... (نگرش اسلام به سایر ادیان و ملل، ص ۹۱؛ کتاب نقد ۹ و ۱۰، زمستان ۷۷ و بهار ۷۸،

با مردم تازمانی که نزدشان مهمان هستی، به نیکی رفتار کن! (اینجا بحث رفتار و عمل است)

مرد سؤال کرد: مسأله شرعیش چه می شود و نظر شما درباره این موضوع چیست؟

امام علی (ع) فرمود: **أَمَّا الْقِيَنَةُ الَّتِي تَتَّخِذُ لِهَذَا فَحَرَامٌ...**^۱

مرد سؤالی این گونه که تو می گویی حرام است. (اینجا بحث نظر و اعتقاد است)

البته یاد کنیم که این روایت بحث حریم خصوصی و عملکرد شخصی مطرح است، وگرنه در آیه ای که فردن علنی و بی محابا به ترویج این موضوع در میان مردم پرداخته است، و معارف دین خصمانه تاخته، با برخورد تند و گاه شگفت اهل بیت مواجه شده، که نمونه های آن در همین کتاب نقل شده است.

موافقان موسیقی هم مراعات کنند!

واقعیت غیر قابل انکاری در موضوع موسیقی وجود دارد که بالخصوص در جامعه دینی و مذهبی ما باید از سوی مردم و بویژه مسئولان در نظر گرفته شود. برخی مراجع عظام و مورد اکرام در گذشته و حال،^۲ بالکل بر حریم موسیقی (نه خوانندگی) فتوا داده اند و بر این نظر خود، ادله کافی و وافی ارائه

۱. دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۲۰۵ و ۲۰۶، ح ۷۵۱ این روایت به طور کامل در نکته موسیقی حلال، ص ... آورده شده.

۲. مانند آیات عظام، گلپایگانی، بهجت، صافی گلپایگانی ... و بسیاری از مراجع و فقهای گذشته.

نموده‌اند.^۱ بسیاری از مقلدان این بزرگواران در میان توده مردم حضور دارند و در مجالس و محافل شرکت می‌کنند. مراجع عظامی که موسیقی را به دو نوع حلال و حرام تقسیم می‌کنند نیز، جدای از مخالفت با ترویج این رضو، بسیاری از موسیقی‌های فعلی را از مصادیق حرام یا حداقل شبهه ناک می‌دانند! و از مقلدانشان می‌خواهند که حتی الامکان جانب احتیاط را مراعات نمایند. این بزرگوارانندگان مجالس مختلف بویژه برنامه‌های عمومی و دولتی باید این واقعیت را مدنظر داشته باشند، و آن‌ها هم در طریق همزیستی مسالمت آمیز قدم بگذارند؛ برخی مسائل را رعایت نمایند. این که همه مجالس؛ حتی مراسم‌های به ظاهر مذهبی و معنوی را با موسیقی عجین کنند، باعث زمیدگی و محرومیت بسیاری از مردم، تدبیر از برخی مجالس و محافل

۱. علامه سید محمد حسین حسینی طهرانی رحمته‌الله از جمله علما بزرگ و صاحب آثار گرانبها است که این نظر را می‌پذیرد و بر آن پای می‌فشارد و در دفاع از حرمت مطلق موسیقی و ابزار و آلات آن (نه خوانندگی و آواز) بیاناتی دارد که از باب نمونه می‌فرماید: «عصر البته رحمته‌الله انواع موسیقی سنتی و غیرسنتی، مطرب و غیرمطرب رواج داشته و در اثر تربیت فاسد اموری و خوانندگان و نوازندگان در جامعه اسلامی علناً به نواختن آلات نهی می‌پرداختند، ولی با این همه به حرمت و حرمان و تقبیح از سوی اهل بیت علیهم‌السلام درباره موسیقی وارد نشده است و بالأطلاق از استماع آلات لهو و استماع صوت آن منع فرموده‌اند. از هیچ کس از اصحاب نقل نشده که موسیقی بنوازند یا گوش دهند. موسیقی غیرمطرب و سنتی با امثال آن باشد... منافعی که برخی امروزه برای موسیقی بیان داشته‌اند، در موسیقی غیر لهوی نیز داریم و تنها موسیقی لهوی حرام است، مطلبی نیست که تازه کشف شده باشد. همه این انواع موسیقی در دوره‌های اول اسلامی نیز شناخته شده بوده، ولی با این وجود هیچ نقضی در روایات و چه در سیره معصومین و چه در سیره اصحاب وارد نشده است، و این مسئله نشانه حرمت مطلق آن است.»

ایشان در ادامه با صراحت این مطلب را بیان می‌کنند که: «حرمت استماع موسیقی از مسلمات مکتب تشیع است و هیچ جای شبهه و تردید ندارد. علاوه بر روایات متظافر و متعاضد، سیره رسول خدا و ائمه علیهم‌السلام و علمای شیعه نیز بر حرمت همه اقسام آن دلالت دارد.» (نور مجرد، ج ۳، ص ۱۱۲)

۲. در ذیل تشریح حرمت بسیاری از موسیقی‌های امروزی مطلب را جویا شوید.

خواهد شد؛ آیا این جا تضییع حقوق به حساب نمی آید؟! چرا باید مراسم هایی که با بودجه بیت المال و در مملکت تحت لوای اسلام برگزار می شود؛ به گونه ای باشد که برخی متدینان بنابر فتوای مرجع عیدشان نتوانند در آن شرکت کنند؛ یا با حالت دو دلی و ناراحتی و بازور «امام برائت» و «انشاء الله اشکال ندارد» در این مجالس شرکت نمایند؟!^۱

در صدر این مطلب باید روشن باشد که موسیقی برای همه لذت بخش و شور آفرین نیست؛ بلکه برخی را آزار می دهد! به گفته شهید آوینی رحمه الله : «اگر کسی خودش را دست موسیقی بسپرد، خب لذت هم می برد. ولی اگر کسی خودش را دست موسیقی نسپرد، موسیقی برایش عذاب آور است. این طور نیست که موسیقی برای همه مردم لذت بخش باشد. این یک اشتباه است.»^۲

۱. و در ادامه می گوید: اما متأسفانه موسیقی گوش کردن آن قدر از رویارویی با آیه دارد که اصلاً نمی شود این حرف را به کسی زد. چون برایش این تجربه پیش نمی آید که کسی موسیقی گوش نکند، بعد برایش یک موسیقی شادی آور به قول خودشان «بگذارد و ببیند اصلاً احساس شادی می برد» دست می دهد یا نه؟ چیزی غیر از عذاب، غیر از تکرار اصواتی که اعصاب آدم را خرد کرده، نیست. موسیقی که دست موسیقی نمی سپرد، یعنی معیارهایی را قبول نمی کند که در موسیقی هست و به موسیقی نمی شود؛ احساسی که در موسیقی موجود است به او منتقل نمی شود که هیچ، بلکه اصلاً حالت اشعار را به آن دست می دهد. ولی اگر خودش را بسپرد و مانع عقلش را از سر راه بردارد، به وسیله اعصاب به اثرات تأثیرات آن منعکس می شود. بهترین دلیل که از طریق زیست شناسی به قول خودشان «موجبات» این که وقتی برای گیاه موسیقی گذاشتند، رشد بیشتری پیدا کرد. این دلیل خوبی نیست. یعنی دلیل به نفع موسیقی نیست، ضد موسیقی است! یعنی موسیقی به وسیله اعصاب گیاهی هم درک می شود، به وسیله اعصاب حیوانی هم درک می شود. وقتی از راه اعصاب حیوانی درک شد، یعنی اصلاً واسطه عقل را نمی خواهد! موسیقی اصلاً از راه عقل دریافت نمی شود؛ بلکه به طور مستقیم روی اعصاب مؤثر است! ... (سخنرانی تحقیقی شهید آوینی درباره موسیقی، سایت رجانیوز، بازگزاری در تاریخ ۹۱/۱۰/۲)

چرا بیشتر جنبه منفی موسیقی بیان شده؟!؟

ممکن است در خلال مطالعه این سؤال مطرح شود که چرا مؤلف بیشتر در مدد کوبیدن موسیقی و بیان جنبه‌های منفی آن است تا مفید و مثبت؛ که در سطح، به دو مطلب اشاره می‌شود:

یک: این تحقیق بیشتر وظیفه بررسی موضوع موسیقی و خوانندگی از نظر منابع رسمی را برپا نهاده دارد؛ ما چه تقصیری در بیان این حقیقت داریم که اسلام از روی مطلق طرد، و با در نظر گرفتن کرامت انسانی و مصالح دنیا و آخرت آدمی، به «موسیقی» بی‌خوش نشان نداده و برخی اقسام آن را حرام و از گناهان کبیره بر شمرده است. و چه کنیم که به فرموده استاد علامه محمد تقی جعفری: «تاریخ نشان دهنده پیامبران و امامان معصوم که به تمام سطوح شخصیت انسان آگاه‌اند، از درون زمین و آسمانی و فوق بشری بهره داشته‌اند» توصیه‌ای به موسیقی نموده باشند؟!^۱

دو: امروزه به اندازه‌ای از موسیقی و منافع آن تبلیغ و تمجید می‌شود که گاه جرأت انتقاد به آن سلب شده و تصور معایب و ملاحظات آن برای برخی دشوار گشته است. فضا به گونه‌ای است که گاهی کسی نمی‌تواند در خدمت

۱. موسیقی از دیدگاه فلسفی و روانی، ص ۹۶. این مطلب حق با ادبیاتی دیگر، بر زمین برخی اهالی موسیقی نیز جاری شده که انصافاً جای تأمل دارد. نمونه آن سخنان صریح محمدرضا شجریان: «به معروف موسیقی ایرانی است که گفته: «این‌ها (نظام اسلامی) هرگز با هنر کنار نمی‌آیند، هرگز و سرگز» همچنان که در طول ۱۲۰۰ سال با هنر کنار نیامدند، باز هم نخواهند آمد» موسیقی هم مانند خیلی از هنر نمی‌تواند در خدمت این‌ها باشد. و در جایی دیگر همین مطلب را با اتهامی شگفت همراه کرده، می‌گوید: «فقط مذهب بوده که در طول این هزار و خورده‌ای سال‌هی موسیقی را نگذاشته خودش را نشان دهد؛ چون روحانیت فکر کرده یک رقیب دارد؛ این را از صحنه دور کرده!!» (مصاحبه با شبکه صدای آمریکا (VOA) مورخ ۲۵/۱۱/۲۰۱۱، فیلم کامل مصاحبه در سایت‌های مختلف موجود است).

موسیقی حرام، حرفی بزنند و حتی حدیثی از پیامبر و اهل بیت بخوانند! چه اشکال دارد همان طور که امروز این همه از موسیقی ترویج و حتی تکریم می‌شود،^۱ آزادانه از آن نقد شود و مستقدان به راحتی حرفشان را بزنند؟! واقعاً موسیقی هم باید آستانه تحمل خود را بالا ببرند و اجازه دهند مخالفان حرفشان را بزنند و دلایل مخالفت خود را به راحتی تبیین و تبلیغ کنند و آن را به کهنه پرستی، جمود فکری، عصر حجر و مخالف شادی بودن متهم نزنند. پیراناید گفته و نوشته شود که جدای از معصومان، در میان علما و دانشمندان، افاسم بوده و هستند که با موسیقی (نه خوانندگی و آواز خوش) در کل مخالفانند. آیا دم برو بستن و نگفتن و ننوشتن این مطلب، حقیقت را تغییر می‌دهد؟^۲

برخی باور ندارند که برای روشن شدن حقایق باید همه نظرها گفته و شنیده شود و همچنین متوجه این نکته حکیمانه نیستند که: «هر که می‌خواهد دائماً سخن‌هایی را بشنود که دوست دارد، حقیقت را نمی‌شنود!»^۳

۱. محض نمونه یاد می‌شود که امروزه بخش قابل توجهی از برنامه‌های شبکه‌های «... و سیما» موسیقی و بخش ترانه‌های خوانندگان مختلف و معرفی آن‌ها اختصاص یافته و معمولاً یکی از مهمان‌های مهم برنامه‌های زنده، اهالی موسیقی و خوانندگی هستند. عرصه تعلیم و تعلم موسیقی هم دست نمی‌ازد تبلیغش ندارد؟ تأسیس خانه‌های متعدد موسیقی در شهرهای کوچک و بزرگ و تبلیغات شگفت‌انگیز برای جذب مخاطب، و درگیر نمودن دانش‌آموزان مدارس به آموزش ابزارآلات موسیقی نمونه دیگری از این واقعیت است. بازار نشر و چاپ کتاب هم از این مسابقه عقب نمانده. به گفته یکی از محققان مطلع: «در تهران تنها یک ناشر حدود هفتاد عنوان کتاب درباره موسیقی و ابزار و روش استفاده از آن منتشر و عرضه کرده که عناوین برخی از آنها چنین است: آموزش دف، آموزش تنبک، آموزش مقدماتی پیانو و...» (حال دوران، ص ۵۱)

اشاره‌هایی در مذمت از موسیقی

* پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله - در حدیثی صحیح‌السند - فرمودند:

أَكْرَمُ عَنِ الزَّفَنِ وَالْمِزْمَارِ وَعَنِ الْكُوبَاتِ وَالْكَبَرَاتِ^۱

شمارا را رقصیدن و نی و تنبک و طبل زدن نهی می‌کنم.

* امام صادق علیه السلام: ضَرْبُ الْعِيدَانِ، يُثْبِتُ النَّفَاقَ فِي الْقَلْبِ كَمَا يُثْبِتُ الْمَاءُ الْخُضْرَةَ.^۲

زدن سازها، سود را در دل می‌رویانند، همچنان که آب سبزه را می‌رویانند.

* امام رضا علیه السلام: گوشت زدن سنی به آلات موسیقی از گناهان کبیره است؛ اسْتِمَاعُ الْأَوْتَارِ مِنَ الْكَبَائِرِ.

* امام خمینی علیه السلام: «دائماً در گوس یک جوان موسیقی باشد، این دیگر به کار نمی‌رسد، این دیگر نمی‌تواند فکر جدی بکند... نترسید از این که به شما بگویند «کهنه پرست» شده اید، باشد ما کهنه پرستیم... همین کلمات نقشه است برای این که شما را از کار جدی عقب بزنند. ... نری که دنبال این رفت که [دائماً] موسیقی گوش کند این مغز مریض می‌سود، این نمی‌تواند فکر بکند که کشورش به چه حال دارد می‌گذرد، دیگر دنبال این نیست، مثل یک آدم هروئینی می‌ماند...»^۳

۱. الکافی، ج ۶، ص ۴۳۲، ح ۷.

۲. الکافی، ج ۶، ص ۲۳۴.

۳. جامع احادیث الشیعه، ج ۲۲، ص ۴۱۶ و مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۲۰، ح ۱۵۱۷۸.

۴. صحیفه‌نور، ج ۹، ص ۱۵۷ و ج ۸، ص ۲۰۱. مشروح این سخنان و صدور و ذیلش - که خطاب به مسئولان صدا و سیما در وقت بیان شده - در بخش پاسخ به سؤالات همین کتاب نقل شده است.

«آیت الله العظمی خویی^۱: «هر صدای لَهوی که از الحان اهل فسوق و معاصی به شمار می‌رود، غنای حرام است و از آشکارترین مصادیقش، ترانه‌های شایع و رایج میان مردم است.»^۲

«آیت الله العظمی جوادی آملی: «خواندن غزل‌ها و مناجات‌ها با صدای نوبت‌ها یا ایرانیان است. ما ایرانیان به آواز بیش از نواختن علاقه داریم که بیارغب است و بیش از آن هم نیاز نیست. اشعار خوبی وجود دارد که اگر صدای خوش خوانده شود، این نیاز انسان را تأمین می‌کند... ما باید بکوشیم از توانمندی‌های خواندن اشعار، منتقل شویم، چون نواختن، نرزش و اشک کاذب به حرام می‌آورد.»^۳

«آیت الله العظمی شاه آبادی^۴: «تأمل ظاهر امام خمینی: بیشتر از هر چه، گوش دادن به «تغنیات» [آوازها و رسیقی‌های حرام] سلب اراده و عزم از انسان می‌کند.»^۵

«آیت الله العظمی خامنه‌ای: به‌طور کلی ترویج موسیقی با اهداف عالیه نظام اسلامی منافات دارد.»^۶ هر چیزی که پدیده موسیقی را در حرام جمع رائج، و

۱. غنا و موسیقی از دیدگاه فقه امامیه و اهل سنت، ص ۱۰۸.

۲. ایشان در ادامه می‌فرمایند: «همان‌طور که خنده صادق و کاذب وجود دارد، گریه صادق و کاذب هم وجود دارد؛ گاه انسان با یک طنز ادبی ظریف می‌خندد که خنده‌ای صادق است. گاهی هم با سلفک می‌خندد که کاذب و بی‌ارزش است. گریه هم این‌گونه است؛ گاه انسان برای مظلومیت امام حسین (ع) گریه می‌کند. گاهی هم با مارش عزاداری آنکه متوقفاً با بشناسد، اشک می‌ریزد که اشکی کاذب است. موسیقی ممکن است چنین خطری داشته باشد؛ یعنی اشکی کاذب به همراه بیاورد و ما خیال کنیم که در عقل عملی ما نرزش ایجاد کرده است.» هفته‌نامه الحق حوزه، ۹۴/۸/۱۳ و پایگاه اطلاع‌رسانی بنیاد

۳. شرح چهل حدیث، امام خمینی (ع)، ص ۸.

بین‌المللی علوم و حیاتی‌اسرا.

۴. اجوبه الاستفتائات، سؤال ۱۱۴۵.

آن را عادی سازی کند، ترویج محسوب می‌شود. با توجه به اینکه در زمان ما موسیقی لهوی بر غیر لهوی غلبه دارد، باید جلوی ترویج آن را گرفت؛ زیرا وقتی این امر در جامعه رواج پیدا کرد، حرام نیز در جامعه گسترش می‌یابد... تعلیم، تعلّم موسیقی، ترویج موسیقی نیست. اما اگر تعلیم و تعلّم شایع و رائج شد، مثلاً در شهرهای مختلف، در هر خیابان شهر، آموزشگاه‌های موسیقی دایر باشد و نلبیه‌ها را فراوان برای جذب جوانان شود، این حالت مسلماً ترویج است. هر چیزی که موجب ترویج موسیقی شود، محل اشکال است.^۱

* متفکر شهید؛ آیت‌الله مطهری: «غنا حرام است، به خاطر حفاظت از عقل انسان و حفظ عفت. امر برای یک سلاقه هند به امنیت و عدالت کشور جایز است که عناصر نازاحت و [رزی و] جانی را وادار به سرکشی و طغیان علیه حکومت عادلّه کند، برای دین هم تیراندازی، رقص و شراب و غنا را تجویز کند.»^۲ «واقعاً موسیقی قدرت عدم و فوق‌العاده‌ای، مخصوصاً از جهت پاره کردن پرده تقوا و عفت دارد.»^۳

* علامه محمد تقی جعفری: «اگر موسیقی آن چنان عاشقان دلباخته‌اش می‌گویند، حقیقتاً روح انسانی را تصفیه می‌کند؛ چرا با شیء موسیقی در

۱. رساله آموزشی مطابق با فتاوی مقام معظم رهبری، ص ۱۴۱. در ادامه می‌فرمایند: بنابراین مسلمانان کشور در این زمینه مسئولیت سنگینی دارند و حتی کسانی هم که احساس می‌کنند با آموزشگاه‌ها، موسیقی و ترویج به وجود می‌آید، آن‌ها هم مسئول‌اند.

۲. میراث فقهی غنا و موسیقی، ج ۴، ص ۳۷۱۱.

۳. تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۷۲. برخی می‌گویند این تأثیر شگفت و ظرفیت عظیم موسیقی به گونه‌ای است که انجام برخی گناهان و پرده‌ری‌ها بدون آن، غیر ممکن و دور از ذهن است. این تأثیر شگفت و مست‌گونه برخی موسیقی‌های حرام است که برخی افراد را به مراحل از بی‌عفتی و شهوترانی می‌کشاند که گاه از حیوانات هم پست‌تر می‌گردند.

شرق و غرب، دوران بیماری‌های روانی و فساد اخلاقی به حدی است که گفتگو درباره آن باعث شرمساری است!^۱

«فرض می‌کنیم که ما هیچ ضرر محسوسی در آن اشخاص که با موسیقی سروکار دارند، نمی‌بینیم، اما نباید فراموش کنیم که هیچ حقوقدان و فیزیکدان و ریاضیدان هیچ یک از دانشمندان علوم تحقیقی نه تنها از موسیقی برای کارهای خود بهره‌برداری نکرده‌اند، بلکه به جهت مخالف بودن موسیقی با فعالیت علمی، همواره راه تعقل و اندیشه را از راه موسیقی جدا کرده‌اند... به علاوه پیشوایان مذهبی که تمام سطوح شخصیت انسان آگاهند، موسیقی را محکوم می‌نمایند.»^۲

* شهید دکتر پاک‌نژاد: «اگر کسی نسبت به اسلام علاقه‌ای ندارد، حداقل برای این که عمر بیشتری کند، در رابطه‌اش با ساز و آواز تجدید نظر به عمل آورد!...»

من منکر نیستم که اگر قطعی و مسلم شد که سحر با آبی فقط با نوعی موسیقی درمان می‌شود، مجاز است؛ اما مگر همه بیمارند و همه حق دارند درمان کنند؟!^۳

* «کانت»؛ فیلسوف مشهور آلمانی:

«موسیقی اگر از همه هنرها مطبوع‌تر باشد، ولی چون به بشر چندان نمی‌آموزد، از تمام هنرها پست‌تر است.»^۴

۱. انسان، غنا، موسیقی، ص ۷۲ و موسیقی از دیدگاه روانی و فلسفی، ص ۶۲....

۲. اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۷، ص ۱۵۹ و ۱۶۶.

۳. بهشت جوانان، ص ۳۵۷.

* دکتر الکسیس کارل (فیزیولوژیست و زیست‌شناس معروف فرانسه):
 «موسیقی را باید در ردیف مواد مخدر شناخت، زیرا آثار تخیلی آن به هیچ
 وجه قابل انکار نیست. اصولاً لذت فوق‌العاده‌ای که افراد از آن می‌برند بواسطه
 همبستگی تخیلی آن است، گاهی این اثر تخیلی به قدری قوی است که
 انسان تعقل و هوش خود را آن چنان از دست می‌دهد، که دست به حرکات
 غیر عادی می‌زند. قدرت قضاوت صحیح از انسان سلب می‌گردد و...»^۱

* پروفسور ولتر گوینگه و استاد معروف دانشگاه کلمبیا):
 «بهترین و دلکش‌ترین نوع تخیلی موسیقی، شوم‌ترین و خطرناک‌ترین آثار را بر
 روی سلسله اعصاب انسان می‌گذارد، مخدر و صاً وقتی که هوا گرم باشد؛
 اثرات نامطلوب آن شدیدتر می‌گردد.»^۲

* موسکورو سکی؛ نخبه جهانی موسیقی: «ن از عمری فعالیت در عرصه
 موسیقی:

«نمی‌دانم چرا هر وقت با هنرمندان اقشار مختلف روبرو می‌شوم، حرف‌های
 زیبا و سنجیده می‌شنوم؛ اما هر وقت با موسیقی‌دان‌ها روبرو می‌شوم، پرت و
 پلامی‌شنوم.»^۳

همه مشکلات حل شده، که به موسیقی گیر داده‌اید؟

عده‌ای به بهانه اولویت داشتن و اهم بودن برخی مسائل از نظر شرع و عقل
 مانند اجرای عدالت، دفاع از حقوق محرومان، جلوگیری از ربا و غصب

۱. چیستی، جرای، چگونگی غنا و موسیقی از دیدگاه فقه امامیه و اهل سنت، ص ۲۰۶.

۳. عوامل فقر و غنی، ص ۸۹.

۲. همان.

بیت المال، در مقابل امر به معروف و نهی از منکر در فروعاتی مانند حجاب و موسیقی می ایستند که معلوم است ناشی از برداشت بد، سوء ظن و یا خدای نکردن غرض ورزی است. واقعا اگر مسلمانی به بد حجابی و شراب خواری یا ترویج موسیقی حرام اعتراض می کند، معنایش این است که با اجرای عدالت و بازگرداندن فقر و فساد و ربا مخالف است؟! یا به این مسائل اصلی اهمیت نمی دهد؟! آیا منطقی است که چون اختلاسی انجام شده، یا ربا و رشوه و بی بندوبستی وجود دارد، همه امر به معروف ها و نهی از منکرها را تعطیل کنیم و ده ها ساله را بر نوع انتقاد و نهی از منکری ببندیم؟!^۱

بله اجرای عدالت همه سبایل مهم تر است، ما هم قبول داریم و بر آن اصرار می ورزیم؛ اما هرگز نباید از معجزه حجابی و بی بندوباری و حرمت شکنی و کج دهنی درباره برخی احکام شرعی مانند روزه خواری، عادی سازی حریم زن و مرد نامحرم و ترویج و سیقن های حرام غفلت ورزید. از باب مثال شخصی که مشکل قلبی دارد، آیا معفو است از هر کس که او را از عفونت زخم شصت پایش غافل شود و در صورت تذکری دلسوزانه، از حادثه رود و سرو صدا راه بیندازد که بابا قلب من مشکل دارد، چرا به شما پیادیم گیر می دهید؟! و ممکن است بی توجهی به همین عفونت جزئی، خسارت عظیمی از مشکل قلب بار آورد! «اهم» راهیچ گاه نباید فراموش کنیم، اما از امور مهم نیز نباید غفلت ورزیم.

۱. از همین قبل سفسطه و مغلفه هاست که می گویند: از فلان شیخ عارف پرسیدند: آیا موسیقی حرام است؟ گفت: از موسیقی حرام است که از صدای کشیده شدن کف گیر، پرته دیگ پلو همسایه غنی برخیزد و به گوش اطفال گرسنه همسایه فقیر برسد!

در این زمینه به کلامی از استاد محمد رضا حکیمی اشاره می‌شود: «فقر، همسایه دیوار به دیوار کفر است. پس چگونه می‌توان درباره آن خاموش نشست و به مبارزه با آن برخاست و عوامل عمده آن، تکاثر (سرمایه داری) و اترا (تنعم گرایی) را محکوم نکرد؟... و حساسیت‌ها را به مسائلی از قبیل بدحجاب، منحصر ساخت؟»

من نمی‌خواهم بگویم حجاب زن اهمیت چندانی ندارد، یا در قرآن کریم حکم نداریم، به عنوان زن نهایی حجاب یعنی «تن»^۱ و این در معیار انسانی نهایت مرتبه سقوط است. پیرا این حیوانات اند که ارزش آنها به «تن» است. لیکن ترتیب مسائل کدام و هم و هم کدام؟^۲

شرط اساسی برای تشخیص نظر هر فردی

رجاء و اثق داریم که خوانندگان عزیز با کور و صبوری و نه با تعصب و پیشداوری کتاب را مطالعه کنند و بدون تأثیرپذیری از اراد و اشخاص، با صداقت و اخلاص و به دور از بدگمانی و حب و بغض، راه تشخیص نظر حق تلاش نمایند و بدانند که مهمترین آفت این راه، حب و بغض ناشی از شیفتگی یا ناخرسندی است که آدمی را کور و کر می‌کند و از دیدن رسنیدن و تشخیص نظر حق و صواب باز می‌دارد.

رسول اکرم ﷺ می‌فرمایند: حُبُّكَ لِلشَّيْءِ يُغَيِّبُكَ عَنْهُ.^۳

محبت و دوستیت نسبت به چیزی، تو را کور و کر می‌کند.

۱. برگرفته از کاتال تلگرامی استاد حکیمی.

۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۸۰، ح ۵۸۱۴.

واقعاً کسی که عاشق موسیقی است و نمی‌تواند یک لحظه شب و روزش را بدون آن سر کند؛ چگونه می‌تواند در این موضوع قضاوتگری منصف و به دور از تعصب باشد؟! حکایت چنین فردی حکایت مجنون است که: «مجنون را پرسیدند: ابوبکر فاضل‌تر است یا عمر؟ گفت لیلی نیکوتر!»^۱

گفتند: مردی که باشد بدگمان
نشوند او راست را با صد نشان
هر درونی که خیال‌اندیش شد
چون دلیل آری خیالش بیش شد
قرآن کریم را صراحت می‌فرماید: برخی اگر همه دلایل را بشنوند و ببینند، باز ایمان نمی‌آورند و حرف حق را نمی‌پذیرند: «وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا»^۲

آری! هر که بخواهد مثال‌ها را در دلیش راهم می‌یابد و با یک استدلال منطقی قانع می‌شود و اگر کسی نخواهد چیزی را بپذیرد، بهانه‌اش را می‌یابد و با هزار دلیل عقل‌پسند هم تسلیم نمی‌گردد!

شاید کنایه شهید دکتر پاک‌نژاد^۳ به اهالی موسیقی: «خاطر همین تعصب باشد: «خدا کند فرزند خودتان پروفیسوری محقق شود و از زبان پروریده خودتان زبان‌های محرمات اسلامی که از جمله موسیقی است را بشنوید! [تا بلکه بپذیرید!]»^۳

استاد علامه جعفری^۴ تشخیص نظر درست را در گرو دو اصل می‌داند و می‌نویسند: «شرط اساسی در حل مسأله موسیقی مانند دیگر

۱. کشف‌الاسرار و عدة‌الایثار، مبینی، ج ۵، ص ۶۰.

۲. سوره انعام، آیه ۲۵.

۳. اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۷، ص ۱۶۲.

مسائل نظری؛ به دست آوردن آگاهی‌ها و اطلاعات لازم، همراه با اخلاص و صفای قلبی می‌باشد.^۱

دفاع از فقه و مراجع عظام!

در نهایت یک هدف تحقیق دفاع از فقه و مراجع عظام است که اگر در موضوع موسیقی، باز به‌گیری از آیات و روایات - فتاوایی داده‌اند که در برخی موارد عامه‌پسند نیست، حق داشته‌اند؛ چرا که بنابر وظیفه خود به منابع دین مراجعه نمودن و به طبقه اعد و اصول اجتهاد، که از جمله آن‌ها در نظر گرفتن شرایط زمان و مکان، نه میل زمان و مکان شدن!) و تخطی نکردن از اصول و محکومات است؛ حکم شرعی را استنباط کرده‌اند.^۲

در احادیث متعدد، هر دو مؤلف «خاندان و نوازندگی» مطرح شده و فقهای عظام جز با استناد و استفاده از آن، فتوا نداده‌اند! نمونه‌هایی از احادیث اهل بیت (علیهم‌السلام) در همین کتاب آمده؛ خود مطالعه و قضاوت نمایید که آیا می‌توان به سادگی از آن‌ها گذشت و همه را نادیده داشت؟^۳

اما این که مسأله‌ای شرعی مقبول نظر مکلفین قرار بگیرد یا بدان عمل کنند یا نه، مطلب دیگری است. مثال‌های متعدد وجود دارد که غالب آن‌ها را و خدا ترس، بنابر وظیفه خود فتوا داده‌اند، هر چند مکلفین روی خوش نشان

۱. موسیقی از دیدگاه فلسفی و روانی، ص ۹۷.

۲. متخصصان فقه می‌گویند: «در فقه، ذوق راه ندارد؛ علم فقه دارای قواعد شناخته شده است که باید طبق آن حرکت کرد و مطالبی که ریشه آن ذوق و سلیقه باشد از فقه خارج است. فقه شیعه، تفسیر اسلام است و پیش داوری در مسأله یا صرف نظر از ادله مردود و تفسیر به رأی است. چنانچه در تفسیر قرآن، تفسیر به رأی مردود است در فقه نیز چنین است؛ زیرا ما شاگرد امام صادق (علیه‌السلام) هستیم و اقتضای شاگردی آن است که بفهمیم آن حضرت چه نظری داده است نه آن که نظر ما چیست.» (غنا در فقه شیعی، ص ۱۲)

نداده و ندهند. مانند آن که بنابر آیات قرآن و روایات اهل بیت در دوره‌هایی مخاطبان به برخی نظرات و احکام صادره از جانب پیامبران نیز روی خوش نشان نداده و تسلیم آن نشده‌اند. تصوّر بفرمایید اگر در استنباط و بیان احکام، شرط پذیرش عمومی و قبول حداکثری مطرح شود، و فقهاء جوگیر شوند و تحت شیر حق، کم فتوا دهند؛ چه اتفاقی خواهد افتاد؟!^۱ آن وقت است که به اصطلاح سنگ‌سنگ، بند نخواهد شد و از تاک و تاک نشان، نشان نخواهد ماند. اهل بیت هر نوع وقتی بیشتر می‌شود که منبع حکم شرعی، به وحی و علومی فراتر از بشری^۲ تم می‌گردد! و کجایمی توان علم ناچیز و محدود بشر را با علوم آسمانی الهی معصومین مقایسه نمود؟!^۳ به گفته مولوی:

آن که از حق یابد او وحی و ... هر چه فرماید بود عین صواب

۱. در امور مادی نیز عقلای عالم، پذیرش حداکثری و استقبال عمومی را ملاک درستی و برحق بودن قرار نمی‌دهند و اتفاقاً بنا بر وظیفه وجدانی و انسانی خود دائماً به شداد و تذکر ادامه می‌دهند؛ هر چند مخاطبان روی خوش نشان ندهند و بر انجام خطای خود اصرار ورزند. مصرف شگفت برخی مواد خوراکی مضر مانند نوشابه‌های گازدار و چپیس و پفک و استفاده از وسایل آلوده و فلپان با آن همه ضررهایی که دائماً یادآوری می‌شود نمونه‌ای از این موضوع است. آیا می‌توان به متخصصان دلسوز گفت: هر چه هشدار دهید فایده‌ای ندارد؛ نظرتان را تغییر دهید، از بیان حق و حقیقت بپاشید یا دست از هشدار بردارید؟ یا باید سخن سعدی را یاد کرد که: «حکما گفته‌اند: بلغ ما عرک ربکم، سفلوا ما علیکم».

هر چه دانی ز نیک خواهی و ...
به دو پای او افتاده اندرینند
تشیبم حدیث دانشمند

گرچه دانی که نشنوند بگویی
زود پاشد که خیره سر بینی
دست بر دست می‌زند که دروغ

(گلستان سعدی، ص ۱۴۵)

۲. اهل بیت علیهم السلام همگی علم لدنی داشته‌اند و در زیارات معتبر با عبارت «خزان علم الله» و «معادن حکمت الله» مورد خطاب قرار می‌گیرند. از امام باقر علیه السلام روایت شده که: «شرفاً و عزّاً فلا یجدان علماً ضعیفاً الا شیتاً خرج من عیننا اهل البیت» (الکافی، ج ۱، ص ۳۹۹، ح ۳)

به شرف و غرور عالم بروید؛ اما بدانید علم صحیح و واقعی را جز در خانه ما اهل بیت نمی‌یابید.

از کجا می‌توان مطمئن شد که نظرات امروز عده‌ای درباره موسیقی مانند برخی احکام شرعی دیگر، چند دهه و چند قرن آینده زیر سؤال برده نمی‌شود؟! از باب مثال تا چند دهه قبل، موضوع «قمر در عقرب» که در روایات متعدد اهل بیت علیهم‌السلام نقل شده و فقها بر طبق آن فتوا داده‌اند، به گونه‌ای تمام‌جرا می‌شد، اما اکنون علم بشر به آن جا رسیده که بخشی از حقیقت را درک کرده و بر تأثیر شگفت نور ماه، علاوه بر جزر و مد دریا، بر رادش زمین و رفتار اهالی آن واقف گردیده و از قضاوت و برخورد گذشته‌اش با حکام این روایات معصومین خجل و شرمسار است.

بشر ظلوم و جهول گاه قرن‌ها راه خطا پیموده و کج راهه و بیراهه را صراط نجات انگاشته و به دیگران مریضه می‌دهد؛ و پس از تحمل خسارات بسیار، شرمسار و سرافکنده از نظرش برانسته و در مسیر مستقیم و درست قرار گرفته است.

پشه‌کی داند که این باغ از کی است کو بهاران زاد، رفس در دی است
سخن به درازا کشید. در هر حال مطالب این نوشتار، با هدف اطلاع رسانی عمومی،^۱ بویژه پاسخ‌گویی به سؤالات مطرح در موضوع موسیقی تنظیم شده است.

مؤلف کتاب نه مجتهد است و نه مرجع تقلید؛ مبلّغ و مبین احکام و معارف دینی است و کتاب، جنبه تبلیغی و روشنگری دارد؛ نه فتوایی و

۱. و چون مخاطب کتاب عام است؛ سبک نوشتار، بیشتر خطایی و محاوره‌ای و آمیخته با شعر شده و متن کتاب با نثرهای متعدد و متنوع و در مواردی، با تکرار یک مطلب همراه گشته است.

اجتهادی و لذا بر هر مکلف معتقدی - اگر به عقاید مکتب تشیع ایمان دارد و می‌خواهد در پیشگاه خدا حجت داشته باشد - واجب است در اعمالش به فتوای مرجع تقلیدش مراجعه نماید.

بی‌تردید این نوشتار کامل نبوده و از نقص و شاید اشتباه مبرا نمی‌باشد. امیدوارم با نظر به ماضی بدان نگریسته شود و با تذکارات دلسوزانه زمینه تکمیل و اصلاح آن فراهم گردد. همچنین رجاء واثق دارم این تألیف، زمینه عمومی شدن مباحث موسیقی و بحث و گفتگوی بیشتر را فراهم سازد.

گر خطا گفتیم از حشمت کن مصلحی تو، ای تو سلطان سخن

کیمیا داری که تبدیلش کنی گر چه جوی خون بود نیلش کنی

این چنین میناگری‌ها کار توست چنین اکسیرها ز اسرار توست

مؤلف، اردکان، پاییز نود و شش